

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ جولای ۲۰۲۲

گستره فعالیت‌های نهادهای استخباراتی امروز!

چهارشنبه- ۰۵ اسد ۱۴۰۱ - کابل: غرض از نگارش این یادداشت، پاسخ به سؤال یک تن از خوانندگان است که پرسیده است چرا به "مفتی تقی عثمانی" و هیأت همراهش برجسب استخباراتی و همکاری با "آی. اس. آی." رازده ام و اصولاً ملا با نهاد های استخباراتی چه همکاری می توانند داشته باشند؟

در پاسخ به سؤال و اعتراض این خواننده عزیز می باید گفت:

همان طوری که نهاد های حاکمیتی در کل از بدو پیدایش آنها از آغازین روزهای مدنیت تا امروز، تکامل نموده از درون یک اداره بسیط یک پادشاه، با یک وزیر و یک قومندان و چند عسکر، تشکیلات امروز حاکمیت ها با ده ها و صد ها هزار کارمند و نوکر و عسکر بیرون شده است، نهاد های استخباراتی - امنیتی حاکمیت ها نیز به مثابه یکی از بخش های مؤثر قوای قهری حاکمیت، گسترش یافته در همان حدود و ثغور گذشته باقی مانده است.

یعنی خلاف تصور گذشته که جاسوس و عضو وابسته به یک نهاد استخباراتی - امنیتی عمدتاً شامل طیف چند ده خیر چین و مخبر بود، در نهاد های استخباراتی- امنیتی امروز شاید بتوان گفت محدود و محدود ترین بخش آن نهاد ها، همان طیف خبر چین و مخبر است. یعنی عکس مناسبات گذشته که با "دیوار ها موش دارند و موش ها گوش" می خواستند وجود جواسیس را تذکار دهند، امروز یک نهاد استخباراتی موفق هرگاه نخواهد همیشه بازنده باشد ناگزیر است بستر کارش را در تمام ساحات حیات اجتماعی انسانها گسترده ساخته، افراد و حلقات معینی را نه تنها از تمام طیف های اجتماعی آگاهانه و یا هم نا آگاهانه در خدمتش قرار دهد، بلکه ضرورت های شغلی و بقای خود حاکمیت ایجاب می نماید تا نهادهای در ظاهر کاملاً مستقل را سازمان داده، از طریق آنها اهداف خاص خود را پیش ببرد.

برای ایضاح و روشنی مطلب رازی را که در همین ماه های اخیر از پرده بیرون افتاد و می تواند غرض اثبات نظر ما به کار آید، تذکر می دهیم.

آنهايي که در جریان وقایع روز کشور، منطقه و جهان قرار دارند، حتماً به خاطر دارند که روسها ها در همان هفته های آغازین تهاجم خونبار شان بر اوکراین، از کشف و نابودی بیش از ۳۰ لابر اتوار در اوکراین سخن گفتند که مشغول تحقیقات بیولوژیک و کیمیائی بودند به تأیید این ادعای روسها، چینی ها از موجودیت بیش از ۳۳۰ لابر اتوار مشابه امریکائی در سطح جهان یادآوری نمود.

آنچه در این میان بس همه بود و است، هویت و اهداف این لابر اتوار ها یا آزمایشگاه ها می باشد. علی رغم این که تمام این لابر اتوارها از طرف وزارت دفاع امپریالیسم امریکا تمویل می شدند و می شوند، به احتمال اغلب بیش از ۹۰

درصد کارمندان و پروفیسوران شاغل در آن آزمایشگاه ها نمی دانستند که در نهایت کارشان برای امور نظامی و کشتار انسانها و در خدمت اهداف نظامی امپریالیسم امریکا قرار دارد و لایراتواری که در آن کار می کنند، در عمل یک شعبه ای از شعبات وزارت دفاع و استخبارات نظامی امپریالیسم امریکا می باشد.

هموطنان گرامی!

یکی از مشکلاتی که ما مردم در طرز دید خود با آن مواجه هستیم، ساده نگری و فرار از تعمیق شناخت خودمان است. بر مبنای همین نقیصه وقتی پای شناخت عوامل استخباراتی - امنیتی کشور های دور و نزدیک در افغانستان مطرح می گردد، اگر از تصور اولی جاسوس که با یک عینک سیاه و رفتار مرموز در اذهان باقی مانده بگذریم، چنده ده جهادی و یا تکنوکراتی که در غرب رفته و آگاهانه روابط شان را با نهاد های استخباراتی از انظار مخفی نمی نمایند، در ذهن ما مجسم شده، فکر می نمائیم اگر دست آنها را از دخالت در امور زندگانی ما کوتاه سازیم، قادر شده ایم خود را از چنگ جواسیس نجات دهیم.

چنین طرز دیدی که همان ساده ساختن مسایل است می تواند در نفس خودش، مبین آن باشد که ما هم ناآگاهانه در چنبر خواستها و اهداف استخبارات به اسارت درآمده ایم و شناخت مان را فقط به همان هائی محدود ساخته ایم، که نهاد های استخباراتی آگاهانه و به منظور فریب ما و کتمان عوامل اصلی خود معرفی نموده اند.

عکس چنین طرز دیدی، هرگاه خواسته باشیم واقعاً کشور و مردم مان را از ضربات نهاد های استخباراتی صیانت نمائیم، باید این ظرفیت و توانائی را در خود رشد و پرورش دهیم که بدانیم در پی هر حرکتی حتا در ظاهر خوب دشمنان مردم اعم از همسایه و منطقه و جهان، چه نهفته است و چه اهدافی را برآورده می سازد. برای روشن شدن مطلب می خواهم مثال تحریک کننده ای ارائه دارم:

در کشوری مانند افغانستان که از اقوام و مذاهب و متکلمان به زبانهای مختلف پرنفوس شده است، هرگاه یک مؤسسه با ظاهر آراسته و چند جامعه شناس و انسان شناس بیاید و در چنین مقطعی که پیکر افغانستان زیر ضربات پیهم استعمار و ارتجاع خون آلود است و هر قسمت آن حیثیت ناخن افگار را دارد، بحث اصالت این نژاد و یا آن نژاد و یا این قوم و یا آن قوم و یا این مذهب و آن مذهب و یا این زبان و آن زبان را مطرح بسازد، ظاهر آن نهاد به هر شکل و شمایی که آراسته باشد مطمئناً در زیر کاسه اش نیم کاسه استخباراتی - امنیتی وجود دارد و می خواهد با انجام کارش افتراق و پراگندگی بین اقوام، مذاهب و زبانهای کشور را دامن بزند.

افرادی که در همچو نهادی کار می کنند چه به کارشان آگاه باشند و چه هم نباشند، در عمل به مثابه عامل و جاسوس استخبارات و حد اقل حامل سیاست های استخباراتی به شمار می روند. بد بختر دربین چنان کارمندانی آنهایی اند که نمی دانند نتیجه کارشان چه خواهد شد و با نیت نیک راهی جهنم خیانت می گردند.

وقتی از چنین منظری به کار هیأتی که با "مفتی تقی عثمانی" وارد افغانستان شده و نهاد "وفاق المدارس" که "مفتی" در رأس آن قرار دارد و رابطه "وفاق المدارس" با "آی. اس. آی." را مورد مطالعه قرار دهیم دیده می شود، که این هیأت با تمام ظاهر عبا و قبا و چیزی بیشتر از یک هیأت استخباراتی جهت برآورده ساختن اهداف استخباراتی - امنیتی آنهم به نفع دولت و کشور پاکستان نیست. از آن جایی که این بحث ابعاد بیشتر دارد، در آینده باز هم بدان خواهیم پرداخت.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**